

طاهر ذوالیمینین فرماندار سراسر ایران در عهد عباسی

طاهر ذوالیمینین- فرماندار سراسر ایران در اواخر قرن دوم هجری- توصیه‌نامه‌ای به پسر و جانشینش عبدالله نوشته است که بیانگر روحیه حکومتگران ایرانی در عهد عباسی است. تمامی توصیه‌نامه را طبری (تاریخ طبری: ۵ / ۱۵۶-۱۶۰) با استفاده از آرشیو دربار خلافت عباسی نقل کرده است. من در اینجا بخش مهم آنرا می‌آورم:

تقوای خدای بی‌همتا را پیشه کن؛ همواره او را ناظر بر کار خویش بدان و خوف او را از دل بیرون مکن و دست به کاری مزن که خشم خدا را به دنبال داشته باشد؛ و رعیت را نگهبان باش. از امکانی که خدا به تو داده است برای زندگی اخرویت بهره بگیر، و چنان کن که خدا همواره پشتیبان تو باشد و روز قیامت تو را از کیفر و عذاب در امان بدارد. بدان که خدایتعالی تو را مکلف ساخته است که با بندگانش به نیکی و دادگری رفتار کنی و حق و حدود ویرا در میانشان برقرار بداری، جان و مال و ناموس رعیت و مرزهای کشور را به شایستگی پاسداری نمائی، راهها را برایشان پر امن بداری، و وسائل امنیت و آرامش و آسایش آنها را فراهم آوری. بدانکه خدایتعالی درباره این امور از تو بازخواست خواهد کرد و برای هرکاری که از تو سرزده باشد، با کیفر یا پاداش او مواجه خواهی شد. فکر و خرد و دیده و دلت را براین کار بگمار، و مبادا که امور دنیائی از این راه بیرونت ببرد.

... در همه شئونت جانب انصاف و میانه‌روی را مراعات کن و بدان که هیچ چیزی بیش از انصاف و عدل نمیتواند منفعت‌انگیز و امنیت‌گستر و فضیلت‌ساز باشد. میانه‌روی و انصاف است که راه درست را فرارو می‌نهد. یافتن راه درست نشانه توفیق است؛ و توفیق به سعادت رهنمون میشود. میانه‌روی سبب استواری دین و سنتهای هدایتگر خواهد بود. در تمامی شئون دنیائیت میانه‌روی پیشه کن. از طلب آخرت و پاداش اخروی با کردار نیکو و سنتهای حسنه و یافتن راههای درست کوتاهی موز؛ زیرا که اگر مقصود تو از کارهای رضای خدا و قبول اولیای خدا باشد، هرچه برای نیکوکاری بکوشی کم کوشیده‌ای.

راستی در امور دنیا عزت می‌آورد و مانع ارتکاب معاصی میشود، و تو را در راه اصلاح امور یاری میرساند، و هیچ چیزی بهتر از آن تو را و کارگزاران و رعایایت را به راه صلاح در نمی‌آورد. راستی پیشه کن و آنرا راهنمای خویش قرار بده، که به وسیله آن به مقصودت نائل خواهی شد و بر قدرت افزوده خواهد گشت و خواص و عوام رعیت به صلاح خواهند رسید.

همواره در همه امورت خدا را در نظر داشته باش، و بکوش که هرکاری میکنی بخاطر رضای او باشد؛ که اگر چنین کنی رعیت در اطاعت تو استوار خواهند ماند. در تمام امورت در تلاش یافتن وسیله رسیدن به خدا باش که به وسیله این است که نعمتهای برای تو پایدار خواهد بود.

هیچکدام از کارگزاران را پیش از آنکه یقین یابی که خطائی مرتکب شده از کار برکنار مکن و بدان که بدگمانی و وارد آوردن تهمت به بیگناهان از خطاهای بزرگ است. همواره نسبت به کارگزاران خوشبین باش و بدگمانی به آنها را از خود دور کن؛ که اگر چنین کنی آنها یاوران تو خواهند بود. مبادا که شیطان تو را وسوسه کند که بر کارگزاران بیگناه خویش بدگمان شوی، و در نتیجه لذت زندگی را از خود و دیگران دور سازی. خوشبینی باعث نیرومندی و آرامش است، و سبب میشود که محبت تو در دلها ریشه بدواند، و امور کشور به دلخواه تو به درستی پیش برود. ولی البته نباید که خوشبینی نسبت به کارگزاران مانع تحقیق و تفحص در امور ملک و ملت و نظارت بر کارکردهای متولیان امور و کنترل احوال رعیت باشد. چنان باش که نظارت مستقیم بر کارهای اولیای امور و اطلاع از اوضاع و احوال رعایا و کوشش در برآوردن خواسته‌های ملت، اولین و آخرین هم و غم تو باشد؛ زیرا که این شیوه دین را استوار و سنت را زنده نگاه میدارد.

درهمة این امور نیتت را صافی کن، همواره خویشتن را بر جادة صواب بدار، ... و فراموش مکن که هرچه در کشور اتفاق بیفتد، مسئولش در برابر خدایتعالی توای. کارگزارانت را همواره بر دین‌داری و دادگری بدار؛ حدود خدائی را نسبت به کسانی که مرتکب جرم و جنایت میشوند به درستی و در اندازه قدر و منزلت آنها و استحقاقشان اجرا کن، و همواره بکوش که مجازاتها با جرم و جنایات تناسب داشته باشد. از مجازات مستحق مجازات خودداری موز و در آن سهل‌انگاری مکن؛ که اگر مجازات مستحق مجازات را از دست بنهی خوشبینی را از تو خواهد گرفت.

برآن باش که در امور از شیوه‌های پسندیده پیروی کنی و از شیئات و بدعتها دور بمانی؛ و اگر چنین باشی دینت درست و رادمدیت استوار خواهد ماند.

چون پیمانی بیندی برآن استوار بمان و به وعده‌هایت وفادار باش؛ دیدگانت را برعیبهای رعیت ببند و همواره اغماض‌گر باش؛ زیانت را از دروغ و از زورگوئی بازدار و دروغگویان و بدگویان را از خود دور کن و بدان که بزرگترین آسیبی که به کشورداری وارد می‌آید از دروغ و دروغ‌گوپروری خواهد بود، زیرا که دروغ سرآمد همه رذیلتها است و به زورگوئی و دوزبانی می‌انجامد. کسیکه دوزبان باشد سالم در نخواهد رفت و کسی را برای خودش باقی نخواهد گذاشت؛ و کسیکه گوش به سخن دوزبانان بدارد امورش استوار نخواهد شد.

اهل صدق و صلاح را دوست داشته باش، بزرگان را همواره در راه حق یاری کن، ضعیفان را از نظر دور مدار، و درهمة اینها تنها خشنودی خدا و ثواب اخروی را خواهان باش. همواره بکوش که در برابر رعیت نیک‌سیرت بمانی و از گرایشهای ناپسند و زورگوئی به دور باشی. دست به کاری مزن که نظر مردم از تو برگردد؛ با رعیت دادگری کن که دادگری آرامش و آسایش را برای رعیت به ارمغان خواهد آورد. وقتی خشم بر تو مستولی شود خویشتن‌دار باش و بردباری و وقار را از دست منه؛ سختگیر و خودخواه و مغرور مباش. مبادا با خود بیندیشی که مسلطی و حق داری هرکاری بکنی؛ و بدان که چنین اندیشه‌ی دلیل بی‌تدبیری شخص و بی‌ایمانی او به خدایتعالی است.

فراموش مکن که همه‌چیز از آن خدا است، ملک را به هرکه خواهد دهد و از هرکه خواهد ستاند. آنچه سبب زوال قدرت میشود، کفران نعمت خدا و بیدادگری توسط کارگزاران است. اینها که اصحاب نعمتند و دستشان در امور حکومت گشاده است اگر به نعمت خدا و احساس او کفر بورزند و بوسیله قدرت که خدایتعالی به آنها داده است زیاده‌روی پیشه کنند خیلی زود نعمت خدا از آنها برگرفته خواهد شد. برای جمع مال حریص مباش، و بکوش که گنجها و خزینه‌های همیشه مالا مال از نیکوکاری و دادگری و تقوا و اصلاح حال رعیت و آبادسازی باشد، و همواره گوشت را بر روی فریاد فریادخواهان باز نگاه دار. بدان که اموال با جمع شدن در خزانه ثمر ندهد بلکه ثمرش آنست که در راه اصلاح حال رعیت و مواظبت بر حقوق آنها و برطرف کردن حاجتهایشان قرار بگیرد. گنج تو آن است که اموال را در راه خدمت به دین و دینداران صرف کنی. ... اگر اصلاح حال رعیت و آبادسازی را وجهه همت خویشتن قرار دهی نعمت خدا بر تو خواهد ماند، و خدایتعالی نعمت خویش را بر تو افزون خواهد کرد، و در گرفتن مالیات مفرره اذمت نیز توانا تر خواهی ماند؛ زیرا که اگر گرفتن مالیات بخاطر آن باشد که رعیت مشمول احسان تو باشند همگان در فرمانبری از تو و بر اجرای خواسته‌های تو خشنودی نشان خواهند داد.

... ..

درهریکشی از کشور بازرسی امین و مورد اعتمادی بگمار که تو را از کارهای کارگزارانت بااطلاع بدارند و چنان شود که مانا خودت مستقیماً ناظر کارهای هرکدام از کارگزاران هستی و همه اقداماتشان را زیر نظر داری. اگر خواستی که امری را به او واگذاری اول درباره عاقبت آن امر اندیشه کن، و تا اطمینان نیابی که انجام آن کار به صلاح کشور و ملت است دست به اجرای مزن. از مشورت با اهل بصیرت نیز غافل مباش و بدان که چه بسا انسان تصمیمی بگیرد که خیال کند درست است ولی پیروی از هوا باشد و اگر درعواقب آن نیندیشد نابودیش در آن خواهد بود. در هرکارت تدبیر و احتیاط را مراعات کن. هیچ کار مهمی را به فردا وامگذار، و بدان که فردا نیز کارهایی پیش خواهد آمد و آنگاه تو مجبوری دوکار مهم را یکجا انجام دهی.

همواره آزادگان و بزرگان را با خود بدار، و چون یقین یافتی که نسبت به تو یکروی‌اند

وتورا دوست میدارند و در نصیحت و مشورت با تو همکاری میکنند، آنها را برای مشاورت برگزین و به آنها نیکی کن. به بزرگان خاندانهای شریف که به حاجت افتاده‌اند سرکشی کن و بکوش که حاجتشان را برآورده سازی و اوضاعشان را اصلاح کنی. در کنار این، لحظه‌ئی از نظر درامر نیازمندان و فقیران و مسکینان و کسانیکه توانائی دادخواهی ندارند و سرکوفتگانی که نمیدانند حقشان را چگونه بستانند غفلت موز، و برای اطلاع از حال اینها و رسیدگی به امورشان افراد شایسته و پارسا بگمار و به آنها بفرمای که حاجتهای آنان را به تو برسانند تا بتوانی به دادشان برسی. افراد بی‌درآمد و یتیمان و بیوگان را دریاب و برایشان مقرری از بیت‌المال تعیین کن، تا خدایتعالی زندگیشان را توسط تو اصلاح کند و بر تو برکت و رحمت فرو بباراند. زیان‌دیدگان را از بیت‌المال کمک کن، برای بیماران جایگاههای شایسته بساز و پزشکانی را به مداوای آنها بگمار و کسانیکه را به خدمتشان بدار که از آنها مواظبت کنند تا بهبود یابند.

تا میتوانی راه رسیدن مردم به خودت را باز بگذار و آنها را با خوشروئی بپذیر و به نگهبانان بگو که با آنها خوشرو باشند، و در برابر خواسته‌هایشان بردبار باش.

طاهر در این توصیه‌نامه رهنمودهای مفصلی نیز در امر ارتش و دستگاه قضائی و دستگاه مالیاتی و نیز در برخورد با مشکلات کشور به عبدالله نوشته که همه نشان‌دهنده‌ کاردانی او در کشورداری و اصلاح حال رعیت است. طبری مینویسد که وقتی نسخه‌ئی از این توصیه‌نامه به دست مأمون رسید، مأمون دستور داد چندین نسخه از روی آن بنویسند و برای همه کارگزاران دولت عباسی بفرستند تا آنها در کشورداری و اداره امور رعایا راهنمای خود قرار داده براساس آن عمل کنند.